

اصطلاحات و تحولات علا شکل نظامی خواهد گرفت

همانگونه که لباس روحانیت دلیل وحدت نظر و عمل روحانیون نبود، لباس نظامی نیز دلیل وحدل عمل و نظر نظامی ها و سپاهی ها نیست. آنها که این نکته را فراموش می کنند، فرصت پیش بینی رویدادهای آینده ایران را از کف می دهند.

کابینه نظامی ها در لباس شخصی و امنیتی های از در اخراج شده در دوران خاتمی و از پنجره بازگشته در دولت احمدی نژاد می رود تا با تعیین چند وزیر برای وزارتخانه های بی وزیر مانده، ظاهر کامل خود را در ایران پیدا کند. بسیاری از آن ها که در تمام حوادث و جنایات خونین دوران 8 ساله ریاست جمهوری محمد خاتمی دست داشته اند دولتمدار شده اند و تعدادی از عوامل اجرائی شبکه ترورهای بین المللی با نام واقعی یا نام های مستعار فراکسیون های پارلمانی تشکیل داده اند. سیمای جمهوری اسلامی در بست در اختیار خرافات و تبلیغات جنگی است. چتر سانسور روز به روز گسترده تر می شود. همین دولت اتم را نان شب مردم فرض کرده و بقای ایران- بخوانید خود را- به آن گره زده است.

کابینه تکمیل شده احمدی نژاد و حاکمیت یکپارچه ای که برپا شده حریف حتی بخش کوچکی از بحرانی که سراپای ایران را فرا گرفته خواهد شد؟ شاید برای پاسخ قطعی به این پرسش مهلتی چندین ماهه لازم باشد، اما برای پاسخ به سرانجام بحرانی که در درون همین حاکمیت به ظاهر یکپارچه رو به تشدید است نیاز به چنین فرصت زمانی نیست: انفجار سیاسی در دولت و حاکمیت قطعی است! هر حادثه ای- حتی حوادث طبیعی - به این انفجار کمک خواهد کرد و دخالت خارجی و نظامی نیز برخلاف تصور و پیش بینی های حاکمیت بجای ایجاد وحدت مذهبی و ملی، در خدمت این انفجار خواهد بود. حتی بدون این حوادث طبیعی و غیر طبیعی نیز شاهد اوج گیری تنش ها بین مجلس و دولت، دولت با مجمع مصلحت، مجمع مصلحت با شورای عالی امنیت، بیت رهبر با حوزه علمیه و شورای فرماندهان سپاه و... خواهیم بود. بدین ترتیب، خواب حکومت یکپارچه در نظامی که هنوز سرانجام قطعی غلبه کامل یک طبقه بر آن معلوم نیست و هنوز با شعار حمایت از توده مردم می کوشند ماسک بر چهره غارتگری بزنند، خوابی باطل است. شکل و شمایل و لباس یکدست و یکپارچه، هرگز به معنای ماهیت یک پارچه یک حکومت طبقاتی نیست! همچنان که لباس روحانیت دلیل یکپارچگی طبقاتی روحانیت نبود و نیست، لباس نظامی نیز دلیلی بر واحد بودن پایگاه و خواستگاه های طبقاتی نظامی ها و سپاهی ها نیست. حتی تضمینی برای حفظ ماهیت کنونی بسیج 300 هزار نفره مسلح و سازمان یافته، بعنوان گارد ویژه حافظ دولت کنونی نیز در اختیار نیست! همچنان که صف بندی های جدید در مجلس هفتم- علیرغم هم تقلب هائی که برای برپائی و شکل بخشیدن به این مجلس بکار بردند- نشان می دهد، با بحرانی تر شدن موقعیت سیاسی و اقتصادی حاکمیت و کشور باید درانتظار چنین صف بندی ها، حتی بصورت وسیع تر و روشن تر آن نیز بود.

با روی کار آمدن دولت یکپارچه "سپاهی- امنیتی" عملا چالش های سیاسی آینده ایران جنبه نظامی به خود گرفته و بحران ها از چارچوب راه حل های سیاسی هر روز بیشتر از دایره امکانات خارج می شود. ما چه خواهیم و چه نخواهیم و حاکمیت چه دانسته باشد و چه ندانسته در این راه گام نهاده باشد، حتی رفم در جمهوری اسلامی نیز شکل نظامی به خود گرفته است، چه رسد به دگرگونی ساختاری نظام حاکم. ایران مراحل پایانی دوران اصلاحات سیاسی از راه های مسالمت آمیز را پشت سر می گذارد. این راه حلی است که حاکمیت خود

انتخاب کرده است و اساسا با پیش بینی آن، پیشاپیش کابینه نظامی تشکیل داده است! این سخن به معنای آن نیست که بزودی مردم دست به اسلحه خواهند برد، اما به معنای آن هست که رقابت ها، اختلافات، تسویه حساب ها و حتی جهت گیری ها و سمت گیری های طبقاتی حاکمیت نمی تواند در یک حاکمیت و دولت نظامی، به دور از برخوردها و راه حل های نظامی باشد. این که نشان می دهند شمشیر را برای دانشجویان تیز کرده و تفنگ را به سمت مطبوعات نشانه رفته اند و یا برای امام زمان در جاده جمکران صف بسته و آماده سان و رژه استقبال شده اند، همه ابعاد واقعی ماجرا نیست. اینها پوسته ماجراست و بزودی بر همگان روشن خواهد شد که تفنگ ها و شمشیرها خودی ها را زودتر نشانه خواهند رفت. ستیز برای تعیین وزیر برای وزارتخانه های نان و آب داری مانند وزارت نفت بزودی به ستیز بر سر تقسیم این نان و آب تبدیل خواهد شد و در اولین بحران خیابانی و نخستین آوار اقتصادی و حتی سیاسی بر سر حاکمیت، صف بندی ها، به صف بندی طرفداران و مخالفان راه حل های مقابله با بحران ها تبدیل خواهد شد. این سمت گیری ها تا اعماق واحدهای نظامی که حالا خود را مانند روحانیت "نماد حاکمیت" می دانند رسوخ خواهد کرد. هیچکس تضمین نکرده است که امثال احمدی نژاد و مصباح یزدی و رهبر، جنتی، سران بنیادها و امپراطوری های مافیائی مالی و دیگران و دیگران لای چرخ دنده های آن ماشین نظامی که به حرکت در خواهد آمد له نشوند. همچنان که کسی تضمین نکرده است مردم به گوشت دم توپ تبدیل نشوند. تمام هنر سیاسی و تمام کوشش ملی می تواند بر محور جلوگیری از رویدادهای نظامی باشد، اما همه ابتکار عمل ها و تمام احتمالات در اختیار و در کف کنترل سیاسیون نیست و این همان نکته ایست که از این پس باید در محاسبات سیاسی گنجانند. حادثه فردا اتفاق نخواهد افتاد و می تواند اشکال کلاسیک و تاریخی را با خود همراه نداشته باشد، اما کلیت آن و سمت و سوی حرکت را باید پیش بینی کرد: امکان حل مسالمت آمیز تضاد حاکمیت با مردم روز به روز کمتر می شود و هر نوع رقابت و حتی گرایش های طبقاتی متمایل و یا مخالف خواست های مردم در مجموع حاکمیت جمهوری اسلامی نیز متاثر از این سمت گیری خواهد بود.